

روحانی و شاه

گزارش یک شاهد عینی
از انقلاب ایران
(مأمور پیشین ام‌ای)

دزموند هارنی

ترجمه

کامران باسنجی
و
اسمیتجی

www.ketab.ir



سرشناسه : هارنی، دزموند

Harney, Desmond

عنوان و نام پدیدآور : روحانی و شاه: گزارش یک شاهد عینی از انقلاب ایران / دزموند هارنی؛ ترجمه کاوه باسنجی. کاووس باسنجی.

مشخصات نشر : تهران: پایگانی؛ انتشارات آرشیو، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : پ، ۳۴ص: عکس؛ ۵/۱۴ x ۵/۲۱ س.م.

شابک : 8-69-6834-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : عنوان اصل: The priest and the king: an eyewitness account of the Iranian Revolution, 1979.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : گزارش یک شاهد عینی از انقلاب ایران.

عنوان دیگر : روحانی و شاه: گزارش یک شاهد عینی از انقلاب.

عنوان دیگر : روحانی و شاه: گزارش یک شاهد عینی از انقلاب ایران.

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- خاطرات انگلیسی

Personal narratives, British -- Islamic Revolution, 1979 -- History -- Iran

موضوع : هارنی، دزموند -- سفرها -- ایران

موضوع : Iran -- Travel -- Harney, Desmond

موضوع : دیپلمات‌ها -- انگلستان -- خاطرات

Diaries -- Great Britain -- Diplomats

شناسه افزوده : باسنجی، کاوه، ۱۳۴۰-، مترجم

شناسه افزوده : باسنجی، کاووس، ۱۳۲۵-، مترجم

رده بندی کنگره : DSR1۵۵۵

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۳

شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۱۲۲۱۳

روحانی و شاه - گزارش یک شاهد عینی از انقلاب ایران -

دزموند هارنی

ترجمه کاوه باسنجی / کاووس باسنجی

نشر بایگانی

[با همکاری نشر آرشیو]

مدیر هنری و طراح گرافیک: پیمان فرگاهی

امور آماده سازی و تولید: کارگاه نشر بایگانی

مدیر تولید: پوریا فرگاهی

قلم های استفاده شده در متن:

پدر نازک و سیاه، Lucida Bright, Cambria

لینوگرافی، چاپ و صحافی: سپیدار

چاپ نخست، ۱۴۰۱

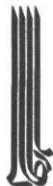
۵۵۰ نسخه

۱۹۵۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

این کتاب ترجمه ای است از:

Harney, Desmond. *The Priest and the King: An Eyewitness Account of the Iranian Revolution*. London: I.B. Tauris, 1998.



نشر بایگانی: تهران، انقلاب، مقابل دبیرخانه مرکزی دانشگاه تهران، ساختمان ۳۱۰، واحد ۱۱۰.

صندوق پستی: ۵۱۱-۱۳۱۴۵ / تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۲۳۰ / ۰۲۱-۶۶۴۰۲۲۶۰.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۳۴-۶۹-۸

دربارهٔ کتاب

غریبان صدها کتاب دربارهٔ انقلاب ایران نوشته‌اند، و این جای شگفتی نیست: انقلاب ایران پدیدهٔ شگرفی بود که در اندک زمانی — در چشم بر هم زدن در مقیاس تاریخی — توهم “جزیرهٔ ثبات” غرب را در میانهٔ منطقه‌ای پر آشوب، فرو پاشاند. غافلگیرکننده بودن این واقعهٔ عظیم در جهان غرب حتی برای روزنامه‌های معتبر و تراز اول، حیرت‌آور بود، آدم‌های عادی که جای خود دارد.

کتاب‌هایی که در سال‌های پس از انقلاب دربارهٔ ایران نوشته شده، کوشیده‌اند ابعاد هنوز ناشناخته و نفهمیدنی این پدیده را بشکافند، و هریک به درجاتی کامیاب یا ناکام بوده‌اند. آنچه هست، چارچوب ذهنی و انگاره‌ها و پیش‌فرض‌های موجود در ذهن نویسندگان به همان اندازه بر نتیجهٔ این کوشش‌ها تأثیر نهاده‌اند که منابع مورد استفاده و میزان آشنایی — یا نا آشنایی — آن‌ها با فرهنگ و ذهنیت ایرانی. هم از این روست که هنوز بسیاریند کسانی که از درک عوامل شکل دهندهٔ انقلاب ناتوان‌اند.

نویسندهٔ این کتاب، از آن روی که خود در هنگام رخداد انقلاب و در هنگامهٔ آن روزهای پر ماجرا و تاریخ‌ساز در ایران بوده، دیدی بی‌واسطه‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت‌ها دارد؛ اما از آنجا که عمق فرهنگ ایرانی را لمس نکرده، برداشت‌هایش گاه از واقعیت به دور است.

دزموند هارنی^۱ از جمله بریتانیایی‌هایی بود که با ماموریت شغلی به ایران آمدند، اما شیفته و دل‌باختهٔ این کشور شدند. هارنی مردی جهان‌دیده بود. پدرش زادهٔ ایرلند بود

¹ Desmond Harney

و نماینده‌ای لیبرال در مجلس عوام بریتانیا، که کمی پس از تولد دزموند در سال ۱۹۲۹م درگذشت. پیش از آن، سه سال در استرالیا زندگی کرده بود و در اولین پارلمان فدرال آن کشور، نماینده شهر پرت^۱ و سناتور ملبورن بود.

دزموند در دانشگاه دارهم^۲ انگلستان، زمین‌شناسی و جغرافی خواند و مدتی در کار صنایع شیمیایی بود. در جنگ دوم جهانی به نیروی هوایی بریتانیا پیوست و به مصر و شبه‌قاره هند سفر کرد. بعدتر، یخچال‌های طبیعی ایسلند و بقایای تمدن روم در مراکش را نقشه‌برداری کرد.

هارنی در سال ۱۹۵۷م در دانشکده مطالعات خاوری و آفریقایی^۳ بریتانیا، شاگرد آن لمبتون^۴، مشهور به نانسی، پژوهشگر پرآوازه تاریخ و فرهنگی ایران، شد. پس از تکمیل دوره‌اش، مامور خدمت در سفارت بریتانیا در تهران و دو دوره در این سفارتخانه مشغول کار بود، نخست در مسند تحلیلگر، و با فاصله‌ای تقریباً ده‌ساله، به عنوان دبیر اول.

هارنی در سال ۱۹۵۴م ازدواج کرده بود و دو دختر با نام‌های جرالدين و بریجیت داشت. حین خدمت در تهران، فرزند سومش، ریچارد، به دنیا آمد.

هارنی در ایران و جهان بسیار سفر کرد، کوهنوردی ورزیده بود و از جمله به قله‌های دماوند و کیلیمانجارو صعود کرد. دوربیش همیشه همراهش بود و خرج روزانه‌اش را از فروش عکس‌هایی از مناطق کمتر دیده‌شده دنیا به دست می‌آورد.

در سال ۱۳۵۷ش که حکومت محمدرضا شاه پهلوی به ابرو درآمد، سالیانی بود که از کسوت دیپلمات درآمده بود و برای یک شرکت تجاری کار می‌کرد. همان زمان به فکر افتاد که مشاهداتش از تحولات شتابنده ایران را ثبت کند، و حدود بیست سال بعد، آنها را به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی، به صورت کتاب منتشر کرد. هارنی اواخر سال ۲۰۰۰م درگذشت.

سال ۱۳۷۷ش بود که صادق سمیعی فقید، مدیر وقت انتشارات کتابسرا، پیشنهاد ترجمه این کتاب را داد. اصرار زیادی داشت که کتاب دزموند هارنی بی هیچ کم‌وکاستی به فارسی منتشر شود، همان رویکردی که به همه کتاب‌های انتشاراتش داشت. همچنین پیشنهاد کرد که برای مجسم‌تر کردن تصاویری که هارنی در یادداشت‌هایش از روزهای پرتلاش انقلاب به دست داده، عکس‌هایی به کتاب افزوده شود.

^۱ Perth

^۲ Durham University

^۳ School of Oriental and African Studies

^۴ Ann (Nancy) Lambton